

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۱۷

جمعه ۲ تیر ۱۳۹۶، ۲۳ ژوئن ۲۰۱۷

اعتراضات کارگری

در نقاط مختلف کشور در جریان است

صفحه ۲

حمله وحشیانه به کارگران بیکار در آق دره و دستگیری کارگران معترض

صفحه ۲

طرح بردگی کارورزی باید لغو شود

صفحه ۸

صحبتی با کارگران نیشکر هفته تپه

همراهی خانواده های شما کلید موفقیت

شما است

اصغر کریمی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲



اتحادیه پست کانادا در نامه ای به

آی تی یو سی خواستار اخراج ایران

از سازمان جهانی کار شد

صفحه ۹

گفتگو با حمید تقوایی درباره

اوضاع سیاسی ایران پس از انتخابات

صفحه ۳

موشکی که صدایش بعدا در می آید!

کاظم نیکخواه

جنجال سران و بلندگوهای حکومت بر سر موشک پرانی به داعش از هر نظر که نگاه کنید مسخره است. به قول حسین شریعتمداری نماینده خامنه ای در روزنامه کیهان، سپاه میخواید به اسرائیل و عربستان و امریکا و داعش و همچنین حسن روحانی رئیس جمهور خود حکومت پیام بدهد که ما قدرتمندیم. اما بنا به گزارشهایی که از همین دولتها منتشر شده، از هفت موشکی که سپاه پاسداران شلیک کرده چندتا

اصلا به سوریه نرسیده اند و در خاک عراق فرود آمده اند، و چند تا در مناطق دیگری سقوط کرده اند و فقط یکی به منطقه دیر الزور رسیده و در جایی منفجر شده است. یک ژنرال اسرائیلی گفته است با این قدرتمایی معلوم شد که حتی قدرت موشکی حزب الله از جمهوری اسلامی بیشتر است! خوشبختانه خبری دال بر تلفات غیر نظامی نرسیده است. بطور واقعی اگر موشکهای شلیک شده توسط سپاه پاسداران به هدف نظامی جدی ای اصابت کرده بود تا کنون حتما از

جانب گروه داعش یا روسیه یا منابع متعدد دیگری که در منطقه حضور دارند، اخبار و اسناد و عکسهایی از تلفات و خسارات آن منتشر میشد. تا کنون بجز خود جمهوری اسلامی و وابستگانش کسی چیزی نگفته است.

آنچه روشن است میتوان بدون تردید گفت که از نظر نظامی این یک شکست کامل به حساب می آید و هیچ کدام از رقبای حکومت اسلامی را مرعوب نخواهد کرد. قطعا در میان سران خود حکومت

صفحه ۵

گفتگو با مینا احدی در باره:

افتتاح مسجدی با پیشنماز "زن"!

صفحه ۷

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

چهارشنبه های بدون حجاب

نسرین رمضانعلی

صفحه ۸

مرگ برای نان

آرش دشتی

صفحه ۹

قرار در مورد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

حجاب در تهران

گزارش یکی از فعالین حزب

صفحه ۵

صحبتی با کارگران نیشکر هفته تپه همراهی خانواده های شما کلید موفقیت شما است

علیه فعالین تان تا پایان دادن به دخالت نیروهای انتظامی و امنیتی کردن کارخانه و جمع کردن دوربین های مدار بسته در کارخانه احتیاج به راهکارهای موثرتری دارید. ما بر سه مساله کلیدی برای پیشروی شما در این مقطع تاکید میکنیم:

- حضور فعال و وسیع خانواده های شما و راهپیمایی و تجمع و تحصن در مرکز شهر توجه مردم و همبستگی آنها را بلافاصله جلب میکند. خانواده های شما ظرفیت بسیار بیشتری برای سازمانیابی و بسیج مردم شهر دارند. از این نیرو با تمام قوا استفاده کنید. این سراسر ترین و مهمترین کلید پیشروی شما است.

- مجمع عمومی بویژه مجمع عمومی هر روزه در طول اعتصاب کمک میکند که با همفکری و متحدانه تصمیم بگیرید و تفرقه ها را سریعتر خنثی کنید. این پایه تشکل را نیز که نیاز مبرم شما است فراهم میکند.

- اطلاع رسانی به مردم از طریق میدیای اجتماعی و هر رسانه ای که صدای شما را منعکس میکند از جمله تلویزیون کانال جدید و شکل دادن به یک گروه تلگرامی برای بحث و تصمیم گیری قدرت شما را برای پیشبرد خواست هایتان و رفع موانع مبارزاتی تان کمک قابل توجهی خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا از خواست های بحق شما و مبارزات شما حمایت میکند و کارگران و مردم آزاده را به حمایت از شما فرامیخواند.

اصغر کریمی از طرف
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ تیرماه ۱۳۹۶

تحت فشار اعتراضات مکرر و پیگیرانه شما کارگران شاغل و بازنشسته هفت تپه، يك ماه حقوق کارگران شاغل پرداخت شد و هزینه بازنشستگی ۳۴۱ کارگر بازنشسته نیز پرداخت گردید. خبرها نشان میدهد که مقامات استان برای جلوگیری از گسترش اعتراضات شما دست به این عقب نشینی زده اند. این قنوت اتحاد شما را نشان میدهد.

دولت و کارفرما يك گام عقب نشینی کردند و با پرداخت ۴ درصد هزینه مربوط به بازنشستگی و يك ماه حقوق معوقه خیال کردند که کارگران را راضی کرده اند و میتوانند با جلوگیری از ورود ۳۰ کارگر کارخانه تحت عنوان هدایت کنندگان اعتراضات، تعرض دیگری به شما نکنند و جلو تداوم اعتراضات را بگیرند. ادامه اعتصاب شما و حمایت دسته جمعی از ۳۰ همکاران این نقشه آنها را نیز خنثی خواهد کرد.

اما این نه پایان توطئه های کارفرما و ارگان های حکومتی است و نه بسیاری از خواست های شما هنوز پاسخ گرفته است. بر این نیز همه شما واقفید و طرف مقابلتان را بخوبی میشناسید. شما تجارب مبارزاتی گرانبهایی دارید. سالها است مشغول سازماندهی اعتراض و اعتصاب هستید. چم و خم مبارزه را بخوبی فرا گرفته اید. اتحادتان را حفظ کرده اید و تلاش هرروزه کارفرما و ارگان های مختلف حکومت برای ایجاد تفرقه و ارعاب را خنثی کرده اید. اما برای پیشروی، برای به کرسی نشاندن خواست های خود از دریافت حقوق معوقه تا رفع مشکلات بیمه و بازنشستگی، از افزایش حقوق تا کاهش ساعت کار، از پایان دادن به اخراج و پاپوش دوزی

مختلف کارگری، هماهنگی و اقدامات مشترک کارگران در سطح شهر و یا در سطح کشور، به میدان آمدن فعال خانواده های کارگری و جلب حمایت مردم شهر، حمایت از مبارزات یکدیگر، رسانه ای کردن هرچه بیشتر اعتراضات و مشکلات کارگران و سیاست های ضد کارگری ارگان های حکومت از طریق کانال جدید و میدیای اجتماعی و تحکیم شبکه های کارگری است.

حزب کمونیست کارگری تقویت مبارزات کارگری و کمک به شکل گیری تشکل های کارگری را امر خود میداند و با تمام امکانات در جهت رفع موانع آن تلاش میکند و فعالین کارگری را به تماس نزدیک تر با حزب فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ خرداد ۱۳۹۶، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۷

حمله وحشیانه به کارگران بیکار در آق دره و دستگیری کارگران معترض

اعتراض و انزجار علیه شلاق زدن کارگران براه افتاد و احزاب چپ، تشکلهای کارگری، فعالین سیاسی، نویسندگان، زندانیان سیاسی و سازمانها و تعدادی از سازمانهای کارگری در کشورهای دیگر و برخی نهادهای بین المللی عمل جنایی حکومت و سیستم قضایی اش را محکوم کردند. بطوری که مقامات حکومت اعتراف کردند که «افکار عمومی جریحه دار شده است.» با عجله اعلام کردند که مدیر کل کار استان آذربایجان غربی را بخاطر «بی اطلاعی» برکنار میکنیم و ریاکارانه پس از چند ماه از شلاق خوردن کارگران اظهار بی اطلاعی و اظهار تاسف کردند!

حزب کمونیست کارگری، کارگران و تشکل های کارگری در سراسر کشور، نهادهای مختلف

اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشور در جریان است

های خدمات شهری شهرداری منطقه ۲ آبادان، کارگران معدن پابیدانای جنوبی زرنند کرمان، کارگران منطقه هشت شهرداری اهواز، کارگران کاغذ پارس در هفت تپه و کارگران منطقه سه وهشت شهرداری اهواز بارها دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده تا خواست های خود را به کرسی بنشانند. بیشتر از اعتراضات چندین روز ادامه داشته است. از نامنی شغلی تا امنیتی کردن محیط کار، از نپرداختن دستمزد کارگران تا مشکلات بیمه و بازنشستگی و انواع اجحافات دیگر موضوع اعتراض کارگران بوده است. اینها مشکلاتی است که امروز میلیون ها کارگر در سراسر کشور با آن دست و پنجه نرم میکنند و علیه آن دست به اعتصاب و اعتراض میزنند. تقویت این مبارزات در گرو اقدامات متحد و سراسری مراکز

اعتراضات متعدد کارگران در مراکز مختلف و در نقاط مختلف کشور جریان دارد. این روندی است که همچنان ادامه خواهد یافت و وسیعتر و تعرضی تر خواهد شد.

تنها در چند روز گذشته کارگران شبکه کابل هوایی مخابرات مشهد، بیش از ۱۵۰۰ کارگر مجتمع نیشکر هفت تپه، کارگران شرکتی شهرداری زاهدان، کارگران مشهد نخ، کارگران اخراجی آذر آب اراک، کارگران فضای سبز منطقه دو شهرداری اهواز، کارکنان مترو تهران، کارگران معادن زغال سنگ هشونی غربی و کوهبنان و خانواده های آنها، کارگران مترو تهران، کارگران کارخانه گسترش توسعه صنعت آذربایجان، ۱۵۰۰ کارگر پارس قو، کارگران شهرداری نورآباد، کارگران شرکت ماهی کارون شوشتر، خانواده های کارگری در آق دره تکاب، کارگران شاغل در بخش

موقت به قراردادهای دائم هستند. جوانان بیکار این منطقه خواهان کار و تامین زندگی هستند.

سایت ایلنا وابسته به خانه کارگر حکومت بیشمارانه طوری خبر حمله به کارگران را منعکس کرده است که گویی خانواده های کارگری با شلوغ کاری مانع فعالیت معدن شده اند و کارفرما مجبور به تعطیل کار شده است. ایلنا با این گزارش اقدام جنایتکارانه حکومت را توجیه کرده کوچکترین اشاره ای به شلاق زدن به کارگران این معدن در سال قبل نمیکند.

لازم به یادآوری است که در فروردین سال قبل طبق حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با شکایت کارفرما ۱۷ کارگر معدن را در يك اقدام جنایتکارانه شلاق زدند و به حبس تعزیری محکوم کردند. خبر در سطح کشور پیچید و موج وسیعی از

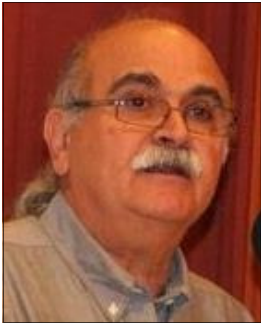
روز ۲۵ خرداد نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی در همراهی با مدیران معدن طلای آق دره در تکاب آذربایجان وحشیانه به تحصن کارگران بیکار و کارگران اخراجی این معدن و خانواده های آنها یورش بردند. در این یورش حداقل ۱۳ نفر مجروح و سه نفر بیهوش و ده نفر دستگیر شدند.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی و بیکار آق دره مدتی است ادامه دارد. مدیران و مسئولان حکومتی در این منطقه تلاش زیادی کرده اند که با تفرقه میان کارگران شاغل و بیکار و به اصطلاح بومی و غیر بومی و همینطور تهدید آنها اعتراض را بخوابانند اما موفق نشدند و نهایتا به يك حمله جنایتکارانه به تجمع و تحصن آنها متوسل شدند. کارگران خواهان بازگشت به کار، تبدیل قراردادهای



گفتگو با حمید تقوایی درباره

اوضاع سیاسی ایران پس از انتخابات



انترناسیونال: شما از هفته های پیش از برگزاری انتخابات، در نوشته ها و گفتارهای تلویزیونی تان، تاکید داشتید که اختلافات جناح های رژیم پس از انتخابات شدت خواهد گرفت. هفته ها پس از انتخابات، شاهد تندترین حملات جناح ها علیه یکدیگر بوده ایم. ریشه این اختلافات در کجاست؟

حمید تقوایی: ما همیشه گفته ایم مبنا و اساس نزاع جناحهای حکومتی اعتراضات و مبارزات مردم است. گاری به سربالائی افتاده است و اسبها یکدیگر را گاز میگیرند. موضوع دعوا بسته به شرایط تغییر میکند: زمانی برجام و رابطه با آمریکا عمده میشود و زمانی رقابتهای انتخاباتی، زمانی مسائل فرهنگی، زمانی کشتارهای دهه شصت، زمانی نقش و سهم هر جناح در دزدیها و اختلاسها و غیره و غیره ولی آنچه ثابت است اصل اختلاف بر سر استراتژی بقا است. یکی فکر میکند با تعامل و تسامح در برابر غرب میتواند نظام متبوعش را حفظ کند و دیگری با آمریکا ستیزی و تاکید بر اسلام ضد آمریکائی. اما آنچه نظام را به خطر انداخته رابطه یا عدم رابطه با غرب نیست بلکه، ناراضائی عمیق و وسیع توده مردم و رشد اعتراضات در ابعاد گسترده است. حتی، در تبلیغات و جنگ لفظی جناحها با یکدیگر، بازتاب ناراضائی توده ای و نگرانی حکومت از خیزش مردم را میتوان مشاهده کرد. در مورد "خطر فتنه بزرگ" به یکدیگر هشدار میدهند و راه جلوگیری از این خطر را سیاستها و مواضع جناح خود قلمداد میکنند. هر يك دیگری را بعنوان مسئول و عامل دزدیها و جنایات حکومتی و یا آپارتاید جنسی و یا شکاف عظیم بین فقر و ثروت در جامعه برمردنشان میدهد به این امید که که کل نظام را از زیر تیغ تعرض مردم بدر برد.

این کشمکش بعد از انتخابات

تشدید شد و این کاملاً قابل پیش بینی بود. روشن بود که نتیجه این باصلاح انتخابات هر چه باشد حل و فصل دعوای درون حکومتی و یا حتی سازش و نزدیکی نسبی بین جناحها را بدنبال نخواهد داشت، بلکه برعکس آنرا شدید تر و عمیق تر خواهد کرد. آن خودافشاگری و رسوائی که در مناظره های تلویزیونی کاندیداها اتفاق افتاد، بروشنی نشان میداد که این رشته سر دراز دارد و بدنبال انتخابات حاد تر و عمیق تر خواهد شد.

انترناسیونال: موقعیت جناح ها و توازن قوای بین آنها پس از انتخابات به چه شکل است؟

حمید تقوایی: مدتهاست، از قبل از انتخابات سال ۸۸، موقعیت خامنه ای و جناح اصولگرا در حکومت تضعیف شده است و هر روز ضعیف تر میشود. انتخاباتها از سال ۸۸ به این سو، به نوعی اعلام علنی و صریح بی اعتباری و ناتوانی خامنه ای در حکومت و در جامعه تبدیل شده است. این بی اعتباری، تا آنجا که به توازن قوای جناحها مربوط میشود، به معنی ناتوانی حکومت در توافق و سازش بر سر نتیجه انتخابات است. يك نتیجه تجربه ۸۸ برای حکومتی ها این بوده است که نمیتوان با صندوقسازی و تقلب نتیجه را تغییر داد و با يك انفجار اجتماعی روبرو نشد. خامنه ای، علیرغم موضع گیری صریح اش در دفاع از کاندیداهای اصولگرا در انتخاباتهای مجلس و ریاست جمهوری، بازنده این انتخاباتها بوده است. این به نظر من، رژیم را با يك تناقض و پارادوکس لاینحل روبرو کرده است. این تناقض که جناحی از حکومت که عملاً بیش از ۴۰ درصد اقتصاد جامعه، زندانها و نیروهای سرکوبگر و سپاه و ارتش و بسیج، قوه قضائیه، سیاست خارجی در منطقه و در سطح جهانی، شورای نگهبان و تشخیص

مصلحت و امکان وتوی مصوبات مجلس و تصمیمات دولتی با "حکم حکومتی" و غیره را در اختیار دارد، نمیتواند رسماً پست ریاست جمهوری را در دست بگیرد. تقسیم پستها و مقامات با توازن واقعی قدرت در جمهوری اسلامی منطبق نیست و این يك عامل و دلیل مهم تشدید تنشها و کشمکشها میان جناحهای حکومتی است. این تناقض به نظر من راه حل درون حکومتی ندارد و تنها میتواند با سرنگونی حکومت به فرجام برسد.

از دید جامعه و توده مردم بی اعتباری ولی فقیه به معنای تضعیف کل نظام جمهوری اسلامی است. خامنه ای رهبر يك جناح حکومتی نیست بلکه رهبر و ستون فقرات و بقول خودشان "عمود خیمه نظام" است و بهمین دلیل تضعیف موقعیت او به معنی تضعیف کل نظام است. همانطور که تضعیف موقعیت شاه در يك نظام سلطنتی معنای بجز تضعیف کل آن نظام ندارد.

در انتخابات اخیر بخش زیادی از مردم رای ندادند چون با کل حکومت و بازی انتخاباتی اش مخالف بودند ولی حتی آن بخشی از مردم هم که به روحانی رای دادند هدف و انگیزه اغلبشان رای سلبی به کاندید مطلوب خامنه ای و به این معنی مخالفت با کل حکومت بود. در انتخابات سال ۹۲، که جلیلی کاندید اصولگراها بود، شعار "بدون هیچ دلیلی خاک بر سر جلیلی" بر سر زبانها افتاد اما "دلیل" مردم در واقع دهن کجی و "سیلی زدن" به خامنه ای بود. در انتخابات اخیر هم منطبق حرکت مردم همین بود.

این نکته را هم باید تاکید کرد که تعرض مردم نتیجه تضعیف خامنه ای یا جناح اصولگرا نیست، علت و عامل آنست. گسترش ناراضائی عمومی و اعتراضات مردم قبل از هرچیز در تضعیف "اسوه نظام" منعکس میشود و این

بنوبه خود زمینه و شرایط مساعدتری را برای تعمیق و گسترش بیشتر مبارزات مردم فراهم میکند.

انترناسیونال: آیا با توجه به اینکه در هر حال اهرمهای اصلی قدرت در دست خامنه ای است نمیتوان گفت خامنه ای مشکل چندان با ریاست جمهوری از جناح مقابل ندارد؟ حتی برخی انتخاب مجدد روحانی را نوعی مهندسی انتخابات بوسیله خامنه ای میدانند.

حمید تقوایی: کشمکش بین جناحها يك بازی و یا نمایش حکومتی نیست بلکه همانطور که گفتیم از يك اختلاف نظر واقعی بر سر استراتژی بقای حکومت ناشی میشود. اگر میتوانستند حکومت را زیر پرچم ولی فقیه شان يك کاسه میکردند. اما نمیتوانند. مردم این امکان را از آنها سلب کرده اند. میتوان گفت خامنه ای و اصولگرایان ناگزیر شده اند به ریاست جمهوری از جناح مخالف رضایت بدهند. این نوعی تمکین از سر ناچاری است و نه توطئه و یا نقشه از پیشی. اما این تمکین و رضایت به معنی سازش و تسلیم به سیاستهای جناح روحانی نیست. هنوز چند هفته از انتخابات نگذشته خامنه ای به گله سر بفرمانش فرمان آتش به اختیار" میدهد و جناح مقابل هم جواب میدهد "آتش به اختیار" امر يك طرفه ای نیست. دارند صریحاً قدرت دار و دسته های لباس شخصی و حزب اللهی شان را به رخ همدیگر میکشند. روشن است که این تقابل، که بی تردید عمیق تر و حاد تر خواهد شد، نمیتواند ادامه و حاصل مهندسی انتخابات و یا هر نوع توافق و سازش از پیشی باشد.

البته جناحهای حکومتی همیشه بعنوان دو بال نظام عمل میکرده اند. یکی علناً میزند و میبندد و دیگری با وعده اصلاحات

نقش ضربه گیر را ایفا میکنند. با اینهمه این تقسیم کار دفاکتو مانع تشدید تخاصم بین جناحهای حکومت نبوده است. تخاصم فرساینده ای که بی اعتباری هر چه بیشتر "عمود نظام" را بدنبال داشته است. تا آنجا که به انتخابات بر میگردد این واقعیت که اهرمهای اصلی قدرت در دست خامنه ای و اصولگرایان است تنها به آنها اطمینان خاطر میدهد که با ریاست جمهوری جناح مخالف کنترل از دستشان خارج نخواهد شد. این در عین حال به اصولگرایان امکان و میدان مانور بیشتری در مقابله با جناح روحانی میدهد. همانطور که اشغال پست ریاست جمهوری و تشکیل کابینه نقطه قدرت جناح روحانی در مقابله با اصولگرایان است. این کشاکش همانطور که اشاره کردم يك تناقض و پارادوکس تشدید شونده است که نهایتاً با سرنگونی حکومت میتواند حل و فصل بشود.

انترناسیونال: جناح روحانی چقدر امکان پیاده کردن قول های انتخاباتی خود را دارد؟ آیا استراتژی سیاسی او که مانند رفسنجانی همان راه حل چینی است، شانس دارد؟

حمید تقوایی: این دور دوم ریاست جمهوری روحانی است و اگر ایشان میتوانند گره ای از مشکلات مزمز اقتصادی و سیاسی حکومت باز کند تا کنون کرده بود. میتوان گفت وعده های انتخاباتی روحانی از پیش سوخته بود. دوره اول ریاست جمهوری ایشان نه گشایش اقتصادی و سیاست تعامل با غرب و برجام به جایی رسید و نه بیکاری و فقر و گرانی تخفیفی پیدا کرد. نه

اوضاع سیاسی ایران پس از انتخابات

از صفحه ۳

تنها اصلاحاتی در کار نبود بلکه فقر و بی‌تامینی و حتی اعدام و زندان و سرکوب شدت گرفت.

تا آنجا که به وضعیت اقتصادی مربوط میشود ما بارها گفته ایم که بن بست و فلج اقتصادی رژیم اساساً مساله‌ای سیاسی و ناشی از ماهیت جمهوری اسلامی است و نه ناشی از سیاستهای این یا آن جناح. براه افتادن چرخهای اقتصادی اولاً به درجه‌ای از ثبات سیاسی نیازمند است که جمهوری اسلامی بخاطر ایدئولوژی و استراتژی سیاسی اش در ایران و در منطقه و نارضائی توده‌ای در خود ایران از آن برخوردار نیست و ثانیاً مستلزم خلع ید و لااقل مهار باندهای مافیائی حکومت و فساد و اختلاس و دزدی و چپاولی است که سرتاپای حکومت را فراگرفته است که این هم به یک خصوصیت نهادینه شده حکومت تبدیل شده است. اقتصاد جمهوری اسلامی بدون فساد مالی و عملکرد باندهای مافیائی تماماً خواهد خوابید و بدون دزدی و قاچاق و غارت منابع ثروت جامعه کل نظام اسلامی فرو خواهد ریخت.

از نظر سیاسی هر اندازه تعامل با غرب و حتی اشاعه گفت‌وگو آن در جامعه، از جانب مردم چراغ سبزی برای روی آوری به مدرنیسم و زندگی امروزی و اسلام‌زدائی از نرمها و اخلاقیات و فرهنگ پوسیده حاکم تلقی خواهد شد و این بجز تشدید و گسترش تعرض مردم و بجالش کشیدن موجودیت کل نظام جمهوری اسلامی معنائی ندارد.

اینها ریشه‌های بحران و بن بست سیاسی - اقتصادی حکومت است. جمهوری اسلامی با نفس مدنیت و جامعه مدنی و زندگی خصوصی و اجتماعی انسان به معنی قرن بیست و یکمی کلمه متناقض است. و بهمین دلیل نه خط چینی و مجاهدتهای سردار سازندگی بجائی میرسد و نه ادعاهای دولت تدبیر و امید و نه کلاً خط استحاله و اصلاح تدریجی حکومت.

انترناسیونال: وضعیت منطقه

بشدت بحرانی است. بحران قطر، حضور نظامی جمهوری اسلامی در کشمکش‌های منطقه‌ای، جنگ لفظی بین سران حکومت و حاکمین عربستان، اظهارات اخیر مقامات آمریکا در مورد تغییر حکومت در ایران و بسیاری نشانه‌های دیگر وضعیت پیچیده‌ای را بوجود آورده است. این اوضاع بکجا کشیده می‌شود و چه تأثیری بر جدال جناح‌ها و روندهای سیاسی درون ایران دارد؟

حمید تقوایی: این شرایط در تحلیل نهائی ناشی از بن بست و نافرجامی سیاست آمریکا در منطقه و شکل‌گیری بلوک‌بندیهای منطقه‌ای بین دولتها و نیروهای اسلامی است. مدتهاست سیاست هژمونی طلبانه و میلیتاریستی که دولت آمریکا پس از فروپاشی بلوک شرق دنبال میکرد - و جنگ خلیج، حمله به افغانستان و هجوم نظامی به عراق نمونه‌های بارز آن بود - به بن بست رسیده و نافرجام مانده است. این سیاست نه تنها به تقویت و تثبیت قدر قدرتی دولت آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد منجر نشد، بلکه حتی متحدین منطقه‌ای آمریکا - نظیر ترکیه و عربستان و حتی مصر - از او دور شدند و هر یک اهداف و سیاستهای مستقلی را در دستور گذاشتند که ناظر بر تقویت موقعیت خود در شرایط خلأ قدرت و یک نوع "فضای باز سیاسی" بود که در خاورمیانه ایجاد شده بود. از سوی دیگر روسیه نیز بعد از خانه‌تکانی داخلی دوباره وارد صحنه شد و دوره تقریباً دهساله فعال مایشائی دولت آمریکا و متحدینش - از مقطع جنگ خلیج تا بقدرت رسیدن اوامی - پایان رسید. شکل‌گیری بلوک عربستان - ترکیه - امارات از یکسو و جمهوری اسلامی - رژیم اسد - حزب الله از سوی دیگر محصول این شرایط است. شکل گرفتن و سر برآوردن داعش نیز یکی از نتایج این قطنبندی بین نیروهای منطقه‌ای است. دولتهای روسیه و آمریکا تلاش میکنند از طریق این بلوک‌بندی نیروها و دولتهای

اسلامی در منطقه اهداف و سیاستهای خود را به پیش ببرند. دیپلماسی "باز کردن مشت‌های گره کرده" اوامی خود چرخشی از جنگ صلیبی بوش علیه تروریسم اسلامی به نوعی یارگیری در میان نیروهای اسلامی بود. این سیاست نیز بویژه به علت دخالتگری مستقیم نظامی روسیه در سوریه و بدنبال آن ظهور و پیشرویهای اولیه داعش بجائی نرسید و امروز نوبت به ترامپ رسیده است. سیاست ترامپ - البته باید گفت فعلاً و در حال حاضر چون در هیچ زمینه‌ای خط و استراتژی ترامپ روشن نیست - تلفیقی از بوشیسم و دیپلماسی اوامی است. به تروریسم اسلامی تند و صریح حمله میکند اما تنها بلوک جمهوری اسلامی را مصداق این تروریسم میدانند و صریحاً از بلوک عربستان حمایت میکند. رقص شمشیر ترامپ در ریاض، شمشیرش را از بوش و رقصش را از اوامی وام گرفته بود. این سیاست البته ناشی از میل و اراده ترامپ نیست بلکه حاصل شرایط معین منطقه است. حتی اگر کلینتون به ریاست جمهوری میرسید ناگزیر بود دیر یا زود در سیاست خارجی آمریکا جای بیشتری برای بلوک‌بندیهای منطقه‌ای باز کند.

تا آنجا که به موقعیت جمهوری اسلامی مربوط میشود این به معنی اعمال فشار بیشتر و تضعیف یش از پیش جمهوری اسلامی است. این شرایط از یکسو نیروهای اپوزیسیون راست را که همیشه روی مقابله با آمریکا با جمهوری اسلامی و سناریوهای رژیم جنجی حساب میکرده‌اند، امیدوار کرده است و از سوی دیگر ابزار و بهانه تبلیغاتی خوبی به خامنه‌ای و اصولگرایان و کلاً مخالفین عادی سازی رابطه با آمریکا داده است. اما به نظر من این شرایط دیرپا نیست. با روی کار آمدن ترامپ و سیاستهای انزوا طلبانه، پروروسی و غیر دوستانه اش با ناتو و دولتهای اروپائی، موقعیت دولت آمریکا در جهان و بطریق اولی در خاورمیانه تضعیف خواهد شد. بهمین دلیل حتی اگر فرض کنیم همین سیاست پرو عربستانی ترامپ ادامه پیدا کند به

تقویت موقعیت آمریکا در خاورمیانه منجر نخواهد شد. بویژه دولت آمریکا در موقعیتی نیست که حمله نظامی یا حتی جنگ نیابتی علیه جمهوری اسلامی را در دستور بگذارد. از این رو گفت‌وگو تغییر مسالمت آمیز رژیم ایران در این دوره را نباید با تهدید رژیم چنج دوره بوش اشتباه گرفت. دولت آمریکا نه میخواهد و نه میتواند چنین هدفی را دنبال کند. حتی، برخلاف تبلیغات انتخاباتی ترامپ، قصد لغو برجام را هم ندارند. به نظر من گفت‌وگو "تغییر مسالمت آمیز رژیم ایران" را باید مانند اعمال تحریمهای جدید و فشارهای دیپلماتیک، ابزاری برای رام کردن جمهوری اسلامی در قالب سیاستهای منطقه‌ای آمریکا بحساب آورد. آنچه در نهایت به فضای سیاسی در ایران شکل میدهد و سرنوشت حکومت را رقم میزند جدال و مبارزات بیوقفه مردم علیه جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف است و نه درگیری و کشمکش میان دولتها و یا جناحهای حکومتی با یکدیگر.

انترناسیونال: اجازه بدهید

بعنوان آخرین سؤال به همین موضوع تقابل جامعه و حکومت پردازیم. بنظر می‌رسد بعد از انتخابات رژیم ضعیف تر و بهم ریخته تر و جامعه متعرض تر و پر توقع تر شده است. به نظر شما این اوضاع بکجا کشیده می‌شود؟ اعتراضات اجتماعی چه جایگاهی در این اوضاع دارند. چه سناریوهایی متصور است؟

حمید تقوایی:

به نظر من دور تازه‌ای از تقابل جامعه با حکومت آغاز شده است. همه چیز حاکی از آنست که دعوی جناحها و بهم ریختگی صفوف حکومت، روندی که بلافاصله بعد از سرکوب ۸۸ آغاز شد، شدت خواهد گرفت. از سوی دیگر ما همچنان شاهد گسترش اعتراضات مردم، و بویژه فعال شدن و پیشرویهای بی سابقه جنبش کارگری که یک ویژگی مهم اوضاع سیاسی ایران در چند سال اخیر بوده است، خواهیم بود. اعتراضات و جنبشهای اجتماعی در عرصه‌های تازه‌مانند

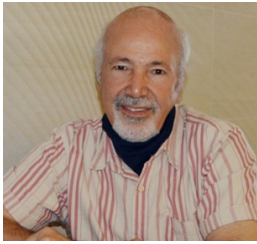
دادخواهی از کشتار دهه شصت، لغو عملی حجاب، مقابله با پرونده سازهی امنیتی، علیه تخریب محیط زیست، علیه دزدیهای نجومی حکومتی‌ها و دستمزدهای یک چهارم خط فقر و غیره که از جمله نموده‌ها و بروزات مقابله فعال مردم با نظام موجود و دست بکار شدن برای تغییر آنست، در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی ادامه خواهد یافت و عرصه‌های تازه‌ای برای چالش کشیدن حکومت باز خواهد شد. چهارشنبه‌های بدون حجاب یکی از این عرصه‌های تازه است.

این جدال تا همینجا چنان برجسته و حاکم بر فضای سیاسی جامعه بوده است که حتی موضوعات کشمکش میان جناحهای حکومتی - از جمله سوژه‌های مناظره و موضوعات مبارزه انتخاباتی کاندیدها - را تحت تأثیر قرار داده است. مارکس میگفت وقتی در پارلمان ویلون بزنند مردم در خیابانها میرقصند. در شرایط امروز ایران مساله برعکس است. این صدای اعتراض مردم در خیابانها است که بالائی‌ها را به رقص واداشته است. همانطور که بالاتر اشاره کردم مبنای این وضعیت بن بست و بحران اقتصادی و سیاسی حکومت است. بحرانی که جمهوری اسلامی بخاطر ساختار و هویت سیاسی و موجودیتش قادر به حل آن نیست.

از سوی دیگر در شرایط پس از انتخابات تضعیف موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی نیز حکومت را در خود جامعه ایران در موقعیت ضعیف تری قرار خواهد داد. حکومت تلاش دارد تا به بهانه مقابله با داعش سیاستهای تروریستی و سرکوبگرانه خود در منطقه و در ایران را توجیه کند و به پیش برد ولی این تلاش به سرعت به عکس خود بدل خواهد شد. حکومت خود یک عامل مهم اوضاع بی ثبات منطقه، وضعیت فاجعه آمیز در سوریه و در عراق و کلاً گسترش تروریسم اسلامی در کشورهای منطقه است و به هر درجه دامنه عملیات تروریستی به داخل جامعه ایران کشیده بشود

موشکی که صدایش بعدا در می آید!

از صفحه ۱



درونی در بالاترین سطوح رهبری آنست. بحدی که بقول نماینده خامنه ای ناچار است پیام خود به رئیس جمهور خودش را با موشک پرانی بدهد. جمهوری اسلامی در منگنه اعتراضات اجتماعی مردم قرار دارد. در این وضعیت لاعلاج روشن است که تلاش جناحهای حکومت برای ماجراجویی و گرد و خاک راه انداختن بر سر رقابتهای منطقه ای، بیش از اینکه کمکی به این حکومت بکند، تناقضات متعدد حکومت اسلامی را تشدید خواهد کرد. این آن چیزی است که هم اکنون نشانه هایش بوضوح قابل مشاهده است.

سازی موشکی مردم را مرعوب کند. زیرا عملا ترس و وحشت خود را برابر مردم معترض علنی تر میکند.

جالب است که در همین روزها که اوج عریبه کشیهای موشکی حکومت را شاهد بوده ایم، کارگران و مردم همچون همیشه مشغول مبارزات خود بودند و وقعی به تبلیغات حکومت نگذاشتند. چندین اعتراض و تجمع و اعتصاب کارگران و مردم در شهرها و مناطق مختلف همین یکی دو روز صورت گرفت. نظیر اعتراضات کارگران هفت تبه، اعتصاب کارگران مخابرات مشهد، اعتصاب و تجمع کارکنان متروی تهران، تجمع اعتراضی مالباختگان کاسپین و امثال اینها. اینها فقط چند نمونه از تعداد بسیار بیشتری از تحرکات و اعتراضات در همین روزهای گذشته است. قطعا فضای اعتراضی جامعه فعالتر از پیش، ادامه خواهد یافت. جمهوری اسلامی دچار بحران سیاسی و اقتصادی و اسیر نزاع

همان زمان که حمله تروریستی به مجلس اسلامی و قبر خمینی صورت گرفت وسیعا در میان مردم شایع بود که این کار خود حکومت است. دلیل این ارزیابی اینست که مردم شاهدند که جمهوری اسلامی آشکارا در فضای ایجاد شده در تقایب کنترل اوضاع و عقب راندن مبارزات بخشهای مختلف مردم است. همین ارزیابی عمومی گویای اینست که مردم دست حکومت را خوانده اند و جواب این تقلاها را با گسترش مبارزاتشان خواهند داد. هر کسی در این جامعه به عیان می بیند که جمهوری اسلامی به چنین حملاتی گویی مثل نان شب نیاز حیاتی دارد تا شکافهای درونی خود را ترمیم کند و جامعه را از اعتراض باز دارد و شاید بتواند خود را چند صباحی بیشتر سرپا نگه دارد. و در این فضا که گویای در هم ریختگی صفوف حکومت و بحران عمیق سیاسی حکومت اسلامی است، روشن است که جمهوری اسلامی نخواهد توانست با فضا

فارسی بین خودشان گفته اند "ما خورده ایم اما همه بگویند زده!". آن قدر سرو صدا و پیام و تیریک و هو و جنجال راه انداخته اند که هیچ صدای دیگری بگوش نرسد. اما این تمام مساله نیست. در واقع مخاطب اصلی موشکهای سپاه پاسداران مردمند. مردم ایران. کارگران و معلمان و جوانان و زنان و باننشستگان و همه مردمی که سیاستها و دزدیها و قوانین اسلامی حکومت را مدام به مصاف گرفته اند و سرتاپای حکومت را در کابوس شورش گرسنگان فرورده اند، قرار است از نظر سران حکومت اسلامی با رجزخوانی ها و عریبه کشی های اراذل حکومتی و فضای جنگی، مرعوب قدرت حکومت شوند و دست از مبارزه بردارند. این در واقع هدف اصلی موشک پرانی پاسداران حکومت است. اما بروشنی میتوان دید که این هم تقلائی شکست خورده است. از

اسلامی و بویژه جناح خامنه ای که از بازیچه بودن ماجرا به خوبی خبر دارند روحیه ها پایین رفته است. چون همه طرفها و از جمله جناح روحانی که قرار بوده است پیام قدرقدرتی سپاه را بگیرند، از ماجرای بریاد بودن موشک کذایی خبر دارند. به همین دلیل موشک سپاه بدون تردید دعوای پشت پرده شان را نیز حادثر خواهد کرد. حکومتی که بعد از هشت سال درگیر شدن در یک جنگ گسترده و یک عالمه امتیاز به دولتهایی مثل روسیه و هزیبه های گزاف حتی قدرت شلیک یک موشک عادی ندارد، میتواند برای خودش رجز خوانی کند اما در برابر دولتهایی که مقابلش قرار دارند باید سرش را پایین بیندازد. این جنبه ها، آن چیزی است که بقول معروف بعدا صدایش بیشتر در خواهد آمد. فعلا با هم نشسته اند و بقول آن هنرپیشه فیلم

حجاب در تهران گزارش یکی از فعالین حزب



چنین مشاهداتی وجود دارد. همینطور در شهرهای کوچک. از طرفی حتی، کسانی که روسری بر سر دارند اکثرا موهایشان از پشت و جلو افشان است. در واقع بیرون ریختن و رها کردن موها به مد تبدیل شده است. چندی قبل اکثر زنان موهایشان را توسط کلیپس هایی بزرگ می بستند و شال یا روسری هم در انتهای سر به کلیپس گیر داشت و روی سر میمانند. الان رها کردن موها به یک مد عمومی بدل شده است. حتی زنانی که موهای بلندی ندارند، از موهای مصنوعی که به ادامه مو وصل میشود، استفاده میکنند و از روسری که در منتهای سر قرار دارد، موهای افشان بیرون است و همین سبب سر خوردن روسری و شال میشود.

موضوع حجاب از جمله مسائلی است که هر روزه دستخوش تغییر است شاید بشه گفت با شروع هر فصل، مدل تازه ای از حجاب مطرح میشود. سرعت تغییرات به اندازه ای است که وقتی به چند سال پیش فکر میکنی باور کردنی نیست که چطور حد و مرز حجاب متفاوت شده است.

پوشش زنان در شهرهای مختلف و حتی گاهی مناطق مختلف، با هم تفاوت هایی داشت. مثلا شمال شهر تهران از بی حجاب ترین مناطق به شمار میرفت. بنحوی که تعداد قابل توجهی از زنان در اتومبیل ها بی حجاب بودند و در خیابانها هم، با دامن و بدون جوراب و یا با جوراب خیلی نازک ظاهر می شدند. بدون روسری برای خرید تا مغازه سرکوجه می رفتند.

در جنوب تهران در سالهای گذشته به این شکل نبود. اما، امروزه در مناطق جنوب تهران هم

آرنج عریان است. شلوارهای مدل پاره که زانو عریان است هم به نرم تسبیدیل شده است. همه این اشکال از طریق مدیای اینستاگرام به سرعت به تمام مناطق و شهرها میرسد و رواج پیدا میکند. دوستی که بی حجاب در شهر قدم میزند میگفت، مردها هم به وی کمک میکنند و مکان گشت ارشاد را به وی میگویند و سعی میکنند به هر شکل بتوانند به او کمک کنند. در واقع بسیاری از مردها هم متوجه شده اند که حجاب شیشه عمر

تذکر بدهند که با تذکرات حکومتی متفاوت بود. در حال حاضر اما، کمتر کسی چنین تذکراتی میدهد. در واقع این به یک نرم تبدیل شده است. در متروها بی حجاب بودن زنان بسیار طبیعی شده است و مردها هم عکس العمل خاصی ندارند. ماتنوهای تابستان معمولا جلو باز است و روی بلوز و شلوار به تن میکنند. آستین ها یا چنان گشاد است که دست های عریان کاملا دیده شود و یا تا نیمه آرنج کوتاه است به طوری که دست ها تا نزدیکی

چهارشنبه های بدون حجاب هم ادامه دارد. فقط چند روز اول بعد از حوادث چهارشنبه، ماموران به طور جدی تفتیش میکردند و قیافه های ترسناک به خود میگرفتند. چهارشنبه این هفته ولی، اینستوری نبود. ماموران خسته بودند و بی حس و حال. ماموران ولایت حسابی خسته اند و بی انگیزه شده اند. فکر کنم اونها هم فهمیده اند که این کارها فایده ندارد.

۳۱ خرداد ۹۶

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

ده هفته گذشته چند اعتراض گسترده کارگری بوقوع پیوست. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه برای نقد کردن طلبهایشان و به امنیتی کردن محیط کارشان یکی از این اعتراضات بود. یک اتفاق دیگر، حمله وحشیانه نیروهای انتظامی به کارگران معدن آق بود که به همراه خانواده هایشان تجمع کرده بودند. نگاهی به این اخبار داشته باشیم.

اعتراضات متحد کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران شاغل و بازنشسته نیشکر هفت تپه از اولین هفته خرداد، به خاطر تعویق در پرداخت دستمزدهایشان و عدم پرداخت ۴ درصد سهم کارفرما به تامین اجتماعی بطور متوالی در اعتراض بوده اند. طی این مدت، مدیریت مرتبا با وعده و وعید کارگران را سردوانده است. در این تجمعات کارگران خواستار پرداخت فوری طلبهایشان شده اند، خواستار کوتاه شدن ساعت کاری شان با توجه به گرمای ۵۰ درجه این شهر شده اند، خواستار خروج نیروی انتظامی از کارخانه و جمع شدن دوربین های مداربسته و خاتمه دادن به امنیتی کردن محیط کارشان شده اند و خواستار پرداخت ۴ درصد سهم بیمه کارفرما به تامین اجتماعی شده اند. در این اعتراضات کارگران شاغل و بازنشسته در کنار هم متحد ایستاده. در این اعتراضات خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه سهم مهمی داشته و مشخصا در تجمع روز ۱۷ خرداد ماه شرکت داشتند. در این اعتراضات کارگران اولتیماتوم میدهند. با مقامات مسئول به مذاکره می نشینند و وقتی عمل نمیشود قرار بعدی را میگذارند. نیشکر هفت تپه یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری است که همواره الگوهای خوبی از اتحاد و مبارزه را برای کل جنبش کارگری بدست داده اند. این کارگران با مبارزات متحدشان در سال ۸۷

توانستند سندیکای خود را تشکیل دهند و با این کار خود، به جنبش کارگری راه نشان دادند.

کارگران شاغل در نیشکر هفت تپه ۴ ماه دستمزد و پاداش و بهربرداری سالهای ۹۴ و ۹۵ را طلب داشتند که بدینال اعتراضات اخیرشان، یک ماه آن پرداخت شد. این کارگران همچنین، بعلت عدم پرداخت حق بیمه شان به تامین اجتماعی، با مشکلات بسیاری روبرو شده اند.

کارگران نیشکر هفت تپه بخاطر خلف وعده های کارفرما و برای پیگیری خواستههایشان از ۲۸ خرداد ماه تا روز ۳۰ خرداد در تجمع و اعتراض بودند. جدا از مطالبات معوقه؛ این کارگران به عدم برخورداری از مزایای بدی آب هوا و مصوبه ای که اخیرا ستاد بحران استانداری خوزستان برای کاهش ساعت کاری کارکنان دستگاه های اجرایی که در گرمای بالای ۵۰ درجه مشغول فعالیت هستند، ابلاغ کرده، اعتراض داشتند. روز ۳۰ خرداد با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت یکساعت اضافه کاری به ازای کاهش ساعت کاری کارگران و پرداخت دستمزد فروردین ماه، کارگران موقتا به تجمعات اعتراضی خود پایان دادند. اما بعد توسط حراست کارخانه از ورود ۳۰ کارگر نیشکر هفت تپه تحت عنوان اینکه آنها اعتراضات کارگران را هدایت میکرده اند، ممانعت شد. این کارگران بین ۱۸ تا ۲۲ سال سابقه کار دارند. در عکس العمل به این قلداری ها کارگران متحدانه در دفاع از همکاران اجرایی ایستاده و میگویند دستمزدهایمان را نپرداخته اند و در اعتراضات دو ماه گذشته همه آنها نقش کلیدی داشته اند و کارفرما باید جواب همه کارگران را بدهد. کارگران بازنشسته نیز در ادامه اعتراضاتشان صبح روز ۳۱ خرداد مقابل شرکت تجمع کردند. حراست تلاش کرد از ورود آنان به کارخانه جلوگیری کند اما کارگران با فشار بر درب، وارد کارخانه شدند. مسئول حسابداری سراسیمه اعلام

کرد که تا پایان وقت اداری این روز، سهم چهار درصدی کارفرما به حساب صندوق تامین اجتماعی واریز خواهد شد. بدین ترتیب بنا بر خبرها با تامین اعتبار مشکل پرداخت هزینه بازنشستگی حدود ۳۴۱ کارگر مجتمع نی شکر هفت تپه مرتفع شد و این کارگران موفق شدند حق بازنشستگی خود را تحمیل کنند. در این دور از مبارزات اتحاد کارگر شاغل و بازنشسته، وارد شدن خانواده های کارگران به میدان مبارزه، ایستادن در مقابل امنیتی کردن فضای کارخانه، حمایت از کارگران معترض اخراجی و پیش بردن مبارزه ای متحد و عقب راندن قدم به قدم کارفرما نقطه قوتهای اعتراضات کارگران هفته تپه است. زنده باد کارگران هفت تپه

حمله وحشیانه به تجمع اعتراضی کارگران معدن آق دره

پنجشنبه ۲۵ خرداد، تجمع اعتراضی کارگران اخراجی معدن طلای آق دره به همراه خانواده شان با حمله وحشیانه نیروی انتظامی روبرو شد. تجمع این کارگران علیه بیکارسازیهی بود، تعدادی از جوانان جویری کار روستا نیز که بعضا قبلا در همین معدن کار میکردند، با در خواست کار در تجمع حضور داشتند. در جریان این حمله جنایتکارانه، حدود ۱۳ نفر مجروح شدند و سه زن در همانجا از حال رفتند. در این حمله وحشیانه، ده نفر از تجمع کنندگان نیز دستگیر شدند. کارگران اخراجی معدن از روستاهای آق دره و انگورد در استان آذربایجان غربی هستند. کارگران اخراجی معدن آق دره خواهان بازگشت به کار و تبدیل قراردادهای موقت به قراردادهای دائم هستند. جوانان بیکار این منطقه نیز خواهان کار و تامین زندگی هستند.

حمله وحشیانه به تجمع کارگران معدن آق دره گوشه دیگری از جنایات حکومت اسلامی و دستگاه قضایی اش در قبال کارگران و مردم ایران است. در فروردین سال قبل طبق حکم دستگاه قضایی جمهوری

اسلامی و با شکایت کارفرما، ۱۷ کارگر این معدن را در یک اقدام جنایتکارانه شلاق زدند و به جریمه نقدی محکوم کردند و در خرداد ۹۵ حکم بربریت شلاق آنان اجرا شد. در این رابطه کمپین برای آزادی کارگران زندانی، طی نامه ای به سازمانهای کارگری در سراسر جهان و نهادهای انساندوست، اطلاع رسانی کرده و خواستار محکوم کردن این عمل وحشیانه حکومت اسلامی و فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای آزاد کردن کارگران بازداشتی شده است. در بخش پایانی این اطلاعیه چنین آمده است:

اعتراض و تجمع و تشکل حق بدیهی و پایه ای همه کارگران و مردم است. ما از مراجع بین المللی میخواهیم که پایمال کردن مستمر حقوق کارگران که حمله وحشیانه به کارگران آق دره یک نمونه بارز آنست را محکوم کنند و جمهوری اسلامی را برای برسمیت شناختن حقوق پایه ای کارگران زیر فشار قرار دهند و بخواهند که ده کارگر بازداشتی در این اعتراضات فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض پایان داده شود و تمامی احکام امنیتی صادر شدن زندان برای آنان فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

حمله وحشیانه به تجمع اعتراضی کارگران معدن طلای آق دره و خانواده هایشان، انعکاس بسیاری در سطح جامعه داشته است. بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس و فعال کارگری و فعال حقوق کودک و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، طی بیانیه ای این عمل شنیع نیروهای انتظامی حکومت اسلامی را محکوم کرده و خواستار آزادی بازداشت شدگان شده اند. دانشجویانی که بیشتر بیانیه فراگیرشان را منتشر کردند، در عکس العمل به این وحشیگری



حکومت اسلامی، طوفان تویتری به راه انداختند. یورش به کارگران معدن آق دره، باید با وسیعترین اعتراض کارگران روبرو شود.

توجهات اداره کار جمهوری اسلامی در حمله به کارگران معدن آق دره!

نیروی انتظامی جنایتکار حکومت اسلامی، تجمع اعتراضی کارگران معدن آق دره و خانواده هایشان را مورد یورش وحشیانه خود قرار داده است. در این حمله ده کارگر معترض بازداشت شده اند. رضا نقی زاده مدیر کل اداره کار آذربایجان غربی به هذیان گویی افتاده و کل ماجرای حمله نیروی انتظامی به تجمع اعتراضی کارگران در روز ۲۵ خرداد را کنمان میکند. او مدعی میشود که درگیری مربوط به نزاع دسته جمعی اهالی و کارگران معدن بوده است و مسئولین ضمن عدم بی طرفی تلاش در رفع مخاصمه داشته و با هیچ یک از طرفین برخورد تندی نداشته اند. (عجبا). پاسخ آخر نقی زاده نیز به خواست جوانان جویری کار و کارگران اخراجی این معدن اینست که این معدن ظرفیت به کارگیری تعداد افراد مدنظر اهالی را ندارد و با این پاسخ آب پاکی روی دست آنها میریزد. اما ماجرا چیست؟

این گفته ها بیش از هر چیز استیصال جانان اسلامی را نشان میدهد. وحشتشان از گسترش انعکاس بیشتر خبر و اعتراضات کارگران در کل منطقه را نشان میدهد. برای همین است که به هر شکلی که شده تلاش میکنند موضوع را لاپوشالی کنند. اما ماجرا چیست؟

ماجرا از این قرار است که از آغاز سال جاری تا کنون تعداد ۴۵۰ نفر به عنوان کارگر فصلی در معدن طلای آق دره به کار گرفته گرفته شده اند.

گفتگو با مینا احدی در باره:

افتتاح مسجدی با پیشنهاد "زن"!



افراوان در مدیای اجتماعی همراه است ایستاده و از حرمت و امنیت فراخوان دهندگان این حرکت دفاع می‌کنیم. از این حرکت اما، نه!

این حرکت در زمین بازی است که تا کنون دول غربی و سازمانهای اسلامی ایجاد کرده و به پیش برده اند. قبلا، همکاری با سازمانهای اسلامی و تقدیم دو دستی همه مردم "مسلمان" به این سازمانها و نسبت فرهنگی و... غیره، سیاست رسمی بود. اکنون بخاطر شکست آن سیاستها، دفاع از اسلام لیبرال و مسجد مختلط، سوال اینست که چرا اسلام تا ای حد در سیاست و زندگی مردم نقش دارد و چگونه میتوان این معضل را حل کرد. اسلام بخاطر ائتلاف و همکاری جریانات اسلامی و دوول غربی رشد یافته و جا سفت کرده است. اسلام و جنبش اسلامی امروز یک واقعیت مهم سیاسی در دنیا است. این جنبش را باید به شکست کشاند. حرکتی از این نوع در پلبشوی امروز، راه بجایی نمیبرند. این یک توهم مطلق

است که با مسجد لیبرال میتوان پاسخ جنبشی را داد که سر میبرد و دهانها را می دوزد. و این، توهم بزرگتری است که با این نوع حرکات میتوان اسلام را رفرمیزه کرد و قران را بهتر تفسیر کرد. دوره تفسیرهای بهتر سپری شده است. اکنون در ایران و در کشورهای اسلام زده، جوان مدرن و وصل به دنیای امروز، از طریق آیفون و مدیای اجتماعی، میخواهد سر به تن اسلام نباشد و میخواهد به دنیای مدرن و به رنسانس و آگاهگری وصل شود. در ایران بویژه، این رنسانس در جریان است.

چیزی شبیه به سروش و شیرین عبادی هستند. کاراکترهایی که با کل جنبش اسلامی و دخالت اسلام در زندگی مردم و تصمیم گیری آخوند روی مقدرات جوان مدرن در ایران و در هر جا مشکل زیادی ندارند. هر جا این جنبش در قدرت باشد و با اینها بسازد، مشغول انقلاب فرهنگی در معیت اسلامیه میشوند. و اگر، اوضاع بر وفق مرادشان نباشد، به بزک کردن این جنبش و احکام شریعه می پردازند و ادای لوتر را در می آورند. دنیا تجربه رنسانس و آگاهگری را پشت سر خود دارد. در اسلام اگر قرار بود رفرم شود، پانصد سال قبل قتلش بود نه الان. اکنون همه میتوانند سر راست بگویند مذهب از دولت جدا و مذهب ارثی نباید باشد. مذهب امر خصوصی است. در خانه و در افکار هم باید مورد نقد قرار بگیرد و امکان این نقد باید فراهم باشد. دنیا بسوی مذهب زدایی میروید. علم و فرهنگ انسانی و پیشرفت مدنیت عواملی هستند علیه مذهب. باید از این امکانات بهره جست و بشر را از قید و بند مذهب آزاد کرد.

انترناسیونال: علیرغم همه اینها، آیا این حرکت در خدمت حقوق شهروندی در مقابل کشمکش های فرقه ای دستجات اسلامی و برسमित شناختن حقوق گی ها و لژیبن ها و حقوق زن نیست؟ و آیا به این خاطر نباید از آن دفاع کرد؟

مینا احدی: این یک حرکت سنت شکنانه و شجاعانه است. از همان روز اول اعلام این مسجد تا امروز اولاً توجه به این اقدام زیاد است و ثانیاً سیران آتش و تعدادی دیگر از فعالین این حرکت تهدید به قتل شده اند. گویی آب در خوابگاه مورچگان انداخته اند. ما در مقابل این تهدیدها و لجن پراکنی های

مادی دولتهای غربی، این بار از اسلام لیبرالیزه شده، حرف میزنند. خبر دارم که با فعالین این حرکت، جلساتی گرفته شده و چراغ سبز به آنها داده شده که اکنون نوبت اسلام لیبرال است. با این چراغ سبزها است که فعالین این حرکت از گسترش این حرکت در جوامع اروپایی حرف میزنند. ممکنست در سویس هم چنین مسجدی ایجاد شود یا در وین. ولی نکته اصلی اینست که این حرکت پاسخ معضلاتی نیست که ما در مورد آنها حرف میزنیم.

انترناسیونال: پیشقراولان این اقدام می گویند که آنها صدای اکثریت مسلمانان اند. می گویند این نهادی برای مسلمانان نواندیش و لیبرال در سراسر اروپا است. آیا واقعیتی در این ادعا هست؟

مینا احدی: اولین نکته من اینست که مردم را به مسلمان و مسیحی و غیره تقسیم نکنند. مذهب و تعلقات مذهبی، نباید روی پیشانی افراد حک شود. مذهب ظاهرا ارثی است که از یک نسل به نسل بعدی منتقل می شود. کسی تصمیم نمیگیرد در کدام خانواده متولد شود و بشر مدرن امروز عملاً دارد از این الگوها فاصله میگیرد. بسیاری بعد از کمی آگاهی و دانش وبا شناختن دست راست و چپ شان، از مذهب فاصله میگیرند. پس باید گفت کودک مذهب ندارد و هویت مذهبی نباید به عنوان مهمترین هویت افراد روی پیشانی آنها حک شود. من با این مسلمان نامیدن میلیونها نفر مشکل دارم. اسلام یک جنبش سیاسی است. این جنبش اتیکت "مسلمان" را به زور بر پیشانی میلیونها نفر با ترور و ایجاد وحشت حک میکند. ما در ایران همه این نوع کاراکترها را داریم و تجربه کرده ایم. مسلمانان لیبرال و نواندیش

توانند در اسلام رفرم ایجاد کنند. یکی از اهداف موسسین این مسجد لیبرال در برلین، نوآوری و رفرم در اسلام است. این ها دچار این توهم اند که اسلام اصلاح پذیر است.

انترناسیونال: سیران آتش می گوید قصد دارند این حرکت را به تمام جوامع اروپایی گسترش دهند. آیا زمینه های گسترش این حرکت وجود دارد؟

مینا احدی: دولتهای اروپایی تا کنون با احزاب و سازمانهای اسلامی همکاری کامل کرده و سعی داشته اند از این طریق، روابط حسنه خود با دولتهای حامی این سازمانها - از جمله دولت های ترکیه، عربستان و جمهوری اسلامی ایران- را، توجیه و حفظ کنند. در عین حال، با زدن مهر مسلمان بر پیشانی میلیونها مهاجر در اروپا، تعلق مذهبی را مهمترین هویت آنها قلمداد کرده و به این واسطه همکاری با احزاب مدافع تروریسم اسلامی و مرتجعین را توجیه کنند و میلیونها پناهنده و مهاجر را کنترل کنند. بر این اساس، دول اروپایی سازمانهای مرتجع اسلامی را نماینده میلیونها مسلمان دانسته، به آنها پول و امکانات مادی و سیاسی داده که در حاشیه جامعه جزایری ایجاد کنند که در آنجا کم کم اسلامیها قدرت پیدا کرده و حتی خیابانها را کنترل کنند.

اشاعه نسبت فرهنگی و از جمله تعریف حجاب بعنوان یک پوشش عادی و تصامح با زن ستیزی اسلامی ها، جزء لاینفک این سیاست بود. این سیاست اما، به یمن اعتراضات گسترده و واقعیات روزمره و عواقب مخرب آن در جامعه، به بن بست رسیده است. اکنون، دولتهای غربی و حتی برخی از سازمانهای منتقد مذاهب در اروپا، دنده عوض کرده و دوباره بر محور همان تفکر چند فرهنگی و منافع

شنبه گذشته، افتتاح مسجدی در شهر برلین آلمان با سرو صدای زیادی همراه شد و توجه بسیاری را بخود معطوف کرد. مسجد این رشد-گفته در واقع، اتاقی است که در یک کلیسا اجاره شده است. پیش نماز آن زن است. همه فرقه های مختلف اسلامی اعم از سنی، شیعه و علوی وغیره می توانند در آن حضور داشته باشند. ورود برای گی ها و لژیبن ها در این مسجد آزاد و پیش نماز آن زن است. در این رابطه با مینا احدی به گفتگو می نشینیم.

انترناسیونال: همه چیز این مسجد با آنچه که تا کنون از اسلام و روال کار یک مسجد می شناختیم، متفاوت است. آیا ما با یک نوآوری و جنبش اصلاح گرایانه در اسلام روبرو هستیم؟

مینا احدی: سازمان دهندگان این مسجد، فعالین منتقد اسلام سیاسی و ترور هستند. آنها خود را مسلمان معرفی کرده و با این اقدام سعی کردند، نقدشان به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را، بیان کنند. سیران آتش وکیل و فعال مدافع حقوق زنان است. او در آلمان در دفاع از زنانی که مورد آزار و خشونت قرار می گیرند و در معرض قتل ناموسی هستند، فعالیت میکرد و حتی یکبار از سوی مردی که سیروان وکیل همسرش بود، تیر شلیک شد. سیران همچنین عضو کنفرانس اسلام در آلمان بود و همواره مثل شیرین عبادی در ایران، خود را زن مسلمان معرفی میکرد. اکنون او در مقام پیش نماز و مؤسس مسجد قصد دارد، فعالیت کند. وی کتابی در مورد انقلاب جنسی در کشورهای اسلام زده نوشته است و بر ضرورت یک انقلاب فکری در اسلام و قرآن تاکید می کند. او و همفکرانش فکر میکنند که با این نوع بدعت گذاریها می

طرح بردگی کارورزی باید لغو شود

سایت حکومتی ایلنا اخیراً تحت عنوان "خبر خوش برای جویندگان کار" آغاز اجرای طرح کارورزی را گزارش کرده است. این طرح گام دیگری در جهت ارزان سازی نیروی کار برای کارفرمایان و به گفته دولت هدفش ایجاد مشوقه برای صاحبان سرمایه است. سال ۹۶ را سال اقتصاد مقاومتی و اشتغال نامیده اند، و طرح کارورزی قدمی در اجرایی کردن آن و تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر بر کرده مردم است. طرح کارورزی طرح بیگاری کشیدن از جوانان بیکار و چماقی بر سر کارگران شاغل است.

بر اساس این طرح به کارفرمایان اجازه داده میشود که فارغ التحصیلان با مدرک کارشناسی ارشد را با یکسوم حداقل دستمزد تعیین شده سال ۹۶ یعنی حدود ۳۱۰ هزار تومان به کار گیرند. در دو سالی که قرار است دولت بیمه "کارورز" را بدهد، با کارورزان حتی قرارداد موقت هم بسته نمیشود و کارفرما هیچ تعهدی در قبال آنها ندارد و هر وقت خواست میتواند آنها را اخراج کند.

گذاشتن نیروی کار جوان با یکسوم میزان حداقل دستمزد تعرض تازه تری است به کل کارگران و کل جامعه که نتیجه مستقیم آن کاهش بیشتر سطح دستمزدها برای همه کارگران است. با طرح کارورزی و زیر چماق بیگاری و بی تامینی تعداد هر چه بیشتری از کارگران از شمول همین قانون کار ضد کارگری موجود نیز خارج می مانند. یک رانت عظیم مالی برای سرمایه داران و سرآغازی برای اضمحلال بیمه کارگران توسط کارفرمایان و گسترش بیگاریها است.

طرح کارورزی، طرح جدیدی در حکومت اسلامی نیست. این طرح قبلاً در دولت احمدی نژاد تحت عنوان طرح کارورزی دانش آموزان دانشگاهی به تصویب

اوضاع سیاسی ایران پس از انتخابات

از صفحه ۴

مخالفت با سیاستهای منطقه ای رژیم بیشتر خواهد شد. یا به بیان دقیق تر شرایط برای بالاگرفتن این اعتراضات بیشتر فراهم خواهد شد. می پرسید سیر این تحولات به کجا می انجامد؟ به نظر من شکلگیری انقلاب و بزیر کشیده شدن حکومت محتمل ترین سناریو است اما در تحولات سیاسی هیچ چیزی تضمین شده نیست. شرایط هر اندازه هم که به ضرر رژیم و به نفع مردم تغییر کند پیروزی مردم در نهایت در گرو گسترش نفوذ یک حزب چپ، انقلابی و آزادیخواه در جامعه و تامین رهبری آن در انقلاب آتی است. یک ویژگی مثبت شرایط سیاسی ایران اینست که چنین حزبی، حزب کمونیست کارگری، وجود دارد و فعال و معتبر و

حمله وحشیانه به کارگران بیکار در آق دره ...

صفحه ۲

دانشجویی، نویسندگان و هنرمندان و کلیه نهادهای پیشرو در کشور و همینطور سازمان های کارگری در کشورهای دیگر را فرامیخواند اقدام جنایتکارانه حکومت، نیروهای انتظامی و سیستم قضایی آنرا

رسیده بود که بعد از اعتراضات گسترده عقب زده شد. در دولت روحانی دوباره این طرح در آذر ۹۳ به تصویب شورای اشتغال رسید و از ترس گسترش مجدد اعتراض، آنرا خزنده به جلو آورده اند و فرمان اجرایش را داده اند.

طرح کارورزی باید فوراً لغو شود. پاسخ کارگران، اعم از کارگران شاغل یا بیکار، به تعرضات حکومت اسلامی و طرح بردگی کارورزی، جلو آمدن با خواستهای تعرضی و روشن از جمله خواست کار یا بیمه بیکاری است. یک گام مهم در کارزار علیه بیگاری، متشکل شدن میلیون ها بیکار و میلیون ها جوان از جمله ۸۰۰ هزار نیروی جدید دانش آموزان دانشگاهی است که هر سال وارد بازار کار میشوند. بیمه بیکاری مکفی و در گام اول رقمی بالای خط فقر، یعنی بالای ۴ میلیون تومان، بیمه بیکاری برای همه افراد آماده به کار اعم از زن و مرد تا زمانیکه اشتغالی متناسب با توان و تخصص خود پیدا نکرده اند، برخورداری از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن از جمله خواستهای مهم در جنبش علیه بیگاری است.

با ابتکارات مختلف نیروی عظیم بیکاران را گرد آوریم و متشکل کنیم. کانونهای اعتراضی علیه بیگاری و گروههای اعتراضی ویژه در مدیای اجتماعی و یا طومارهای اعتراضی را سازمان دهیم. خواست کار یا بیمه بیکاری محوری است که میتوان حول آن متشکل شد و جنبش قدرتمندی علیه بیگاری و طرح کارورزی در سراسر کشور سازمان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ خرداد ۱۳۹۶، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷

شناخته شده است.

حزب کمونیست کارگری در تمامی سیاستها و موضعگیریها و نبردها و کارزارهایش هدف تصویف و به عقب راندن و نهایتاً سرنگونی حکومت را دنبال میکند و با تمام توان و امکانات خود تلاش میکند تا مبارزات مردم را تا بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و پیروزی نهایی سازماندهی و رهبری کند.

حزب کمونیست کارگری کارگران

ضمن دفاع از خواست های بحق کارگران آق دره، کلیه کارگران شاغل و بیکار در سراسر کشور را به گسترش مبارزه برای کار یا بیمه بیکاری فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ خرداد ۱۳۹۶، ۱۷ ژوئن ۲۰۱۷

نسرین رضائلی

حکومت اسلامی حجاب اجباری را به زنان تحمیل کرد تا حجاب اختناق را بر سر کل جامعه بکشد.

طی سی و هشت سال گذشته اما، مقاومت در مقابل حجاب اجباری کم و بیش در جامعه در جریان بوده است. این مقاومت امروز شکل گسترده تری بخود گرفته است. چهارشنبه های بدون حجاب که مدتی است براه افتاده گامی است بسوی نافرمانی گسترده تر علیه حجاب اجباری.

پس از نمایش انتخاباتی، زنان و فعالین جنبش رهایی زن در تعدادی از شهرهای ایران با انتشار عکس، فیلم و تصویر کمپین چهارشنبه های بدون حجاب را، رسماً اعلام کردند. تصاویر و فیلم هایی که منتشر شده است حاوی یک پیام است. پیامی که خواهان لغو حجاب اجباری است.

طیفی از زنان جوان، میانسال و زنان شاغل این کمپین را آغاز کرده اند. کمپین چهارشنبه های سفید صرفاً یک حرکت مخفی و در اطاق های بسته نیست. این کمپین علنی است و فعالینش به تهیه رپرتاژ، عکس و فیلم مبادرت می کنند و در مدیای اجتماعی قابل دسترس میکنند. فیلمها حاوی پیام زنانی است که در خیابان و اماکن عمومی و در محیط کار علیه حجاب اجباری سخن میگویند و از کمپین اعلام حمایت میکنند. کمپین چهارشنبه های بدون حجاب

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶



حجاب، بدنبال کمپین "سه شنبه های بدون خودرو" شکل گرفته است. در سه شنبه های بدون خودرو زنان در آن حضور فعال داشتند. این کمپین عکس العمل سران حکومت رل در پی داشت و با صدور فتوای خامنه ای و امام جمعه مریوان و اصفهان برای پایان دادن به آن رویرو گردید. علیرغم این، حضور زنان در این کمپین وسیعتر و گسترده تر شد و در مدیای اجتماعی اخبار آن بازتاب وسیعی داشت.

در چهارشنبه های سفید قرار بود زنان با روسری و یا با دستبند سفید حضور یابند. زنان اما این چهارشنبه ها را تبدیل کردند به چهارشنبه های بدون حجاب! این حرکت امروز از جانب مردان نیز حمایت میشود. مردانی که در خیابان از خود فیلم میگیرند و از این کمپین حمایت می کنند و اعلام می کنند که ؛ من اقدام همسر، مادرم، خواهرم را حق طبیعی میدانم و حمایتش میکنم. چهارشنبه های سفید یا چهارشنبه های بدون حجاب شایسته بیشترین حمایت هاست.

از جاهای دیگر آورده و با قراردادهای فصلی و موقت شیره جان کارگران را میکشد و بعدم آس و پاس آنها را رها میکند. و حتی، بعضاً همین دستمزدهای چندرغاز را هم به آنها پرداخت نمیکند. کارگران معدن آق دره در برابر این بربریت ایستاده اند و حق و حقوقشان را میخواهند.

کارگران اخراجی این معدن به همراه خانواده هایشان و جوانان جویای کار روستای آق دره با خواست بازگشت به کار، بستن قراردادهای دائمی کار و اشتغال در معدن در یک ماه گذشته بارها در مقابل در اصلی معدن تجمع برگزار اند. کارفرما نیز از فضای این همه بیگاری و فقر استفاده کرده، به قیمتی ارزانتر کارگر

اتحادیه پست کانادا در نامه ای به آی تی یو سی خواستار اخراج ایران از سازمان جهانی کار شد

حقوق کارگران ایران

همانطور که مطمئننا در جریان هستنید رژیم ایران همچنان آزار و اذیت فعالان کارگری را ادامه می دهد. این فعالان صرفا بخاطر مبارزاتشان در زندان هستند. در ایران کارگران، فعالان کارگری و معلمان با اتهامات مبهم نظیر «توطئه و یا فعالیت علیه امنیت ملی «و» علیه امنیت کشور «به حبسهای طویل مدت محکوم شده و در زندان هستند. ده ها تن از این فعالین احکام سنگین زندان دارند و خطر زندان با اتهامات واهی بالای سرشان قرار دارد. شرایط کارگران در ایران و سرکوب شدید خواستهای آنان غیر انسانی ترین شرایط است.

همه این تعدیات در حالی صورت میگیرد که هر ساله هیئتی از نمایندگان همین دولت ایران به عنوان نماینده کارگران ایران در جلسه سالانه سازمان بین المللی کار شرکت می کنند و مواضع عمیقاً متناقضی با شرایط واقعی کارگران در ایران را

تغییر نکرده است. وقت آنست که فوآتر برویم. به همین دلیل است که من از شما خواستار اخراج نمایندگان ایران از سازمان بین المللی کار (ILO) هستم. من معتقدم که اخراج نمایندگان حکومت ایران از نشست های سازمان بین المللی کار، يك گام مهم در رساندن صدای کارگران ایران به جهان است.

کمپین برای آزادی کارگران

زندانی در ایران
Free Them Now
shahla.Daneshfar2
@gmail.com
۲۲ ژوئن ۲۰۱۷، ۱ تیر ۹۶

**ترجمه فارسی نامه اتحادیه
پست به شارون بارو**

اتاوا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷

خانم شارون بورو،
دبیر کل کنفدراسیون بین المللی
اتحادیه های کارگری
(ITUC)

موضوع: اخراج نمایندگان ایران
در نشست های سازمان بین
المللی کار به دلیل نقض شدید

بدنبال تماس داود آرام عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فری دم نو) با اتحادیه پست کانادا، مایک پالک دبیر کل اتحادیه کارگران پست کانادا به نمایندگی از ۵۲۰۰۰ کارگر عضو این اتحادیه طی نامه ای به شارون بارو دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری خواستار اخراج ایران از سازمان جهانی کار شد. او این نامه را در پاسخ به نامه این کمپین خطاب به اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان با خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، بخاطر زیر پا گذاشتن پایه ای ترین حقوق کارگران و مردم در ایران و سرکوبگری هایش نوشته است. مایک پالک در بخشی از نامه اش چنین مینویسد: "من از جانب ۵۲۰۰۰ عضو اتحادیه کارگران پست کانادا (CUPW) این نامه را می نویسم تا نگرانی های شدید خود را در مورد حقوق کارگران ایران بیان کنم. این اولین بار نیست که من نامه هایی در مورد وضعیت در ایران می نویسم. و هیچ چیز



اتحادیه کارگران پست کانادا (CUPW) این نامه را می نویسم تا نگرانی های شدید خود را در مورد حقوق کارگران در ایران بیان کنم. این اولین بار نیست که من نامه هایی در مورد وضعیت در ایران می نویسم. و هیچ چیز تغییر نکرده است. وقت آنست که فوآتر برویم. به همین دلیل است که من از شما خواستار اخراج نمایندگان ایران از سازمان بین المللی کار (ILO) هستم. من معتقدم که اخراج نمایندگان حکومت ایران از نشست های سازمان بین المللی کار، يك گام مهم در رساندن صدای کارگران ایرانی به جهان است.

در همبستگی

مایک پالک

دبیر کل اتحادیه کارگران

پست کانادا (CUPW - STTP)

مطرح می کنند. ما به این موضوع اعتراض داریم و سوال ما از سازمان جهانی کار اینست که چرا در مقابل این شرایط سکوت میکند. دولت ایران در نظر دارد با ایجاد يك سازمان بشدت ضد حقوق کارگری به نام "مجمع عالی کارگران ایران"، ایرانیان و سازمان های بین المللی را گمراه کند و آنها نمایندگان واقعی کارگران را تحت فشار و سرکوب شدید قرار میدهند.

در حال حاضر، اسماعیل عبدی، معلم معترض، و آتنا دائمی فعال شناخته شده دفاع از حقوق کودکان و زنان و کسی که علیه اعدام تلاش میکند به همراه صد ها نفر از فعالین سیاسی در ایران زندانی هستند. ITUC باید خواستار آزادی همه کارگران سیاسی در ایران شود.

خانم دبیر کل!

من از جانب ۵۲۰۰۰ عضو

مرگ برای نان

آرش دشتی

اساسا کارشان این است که آنقدر مسأله را پیچانند تا علت حوادث ناشی از کار را در پرده ای از ابهام پنهان کنند. علت اصلی مرگ این چهار کارگر مثل علت مرگ بسیاری از کارگران، از روز هم روشن تر است. و آن هم، نبود امنیت و ایمنی در کارخانه ها و کارگاه هاست. سرمایه داران برای آنکه سود بیشتری ببرند، حاضر نیستند برای امنیت و ایمنی کارگران هزینه کنند. اداره کار و نهادهای زیر مجموعه وزارت کار دادستان و پزشکی قانونی هم، در حقیقت عوامل دولت

در هفته ی دوم خرداد ۹۶ بود که در کارخانه بازیافت کاغذ مشهد ۴ کارگر به درون دستگاه خمیر کاغذ افتادند و جان سپردند. پس از دو هفته کارشناسی از سوی پزشکی قانونی و اداره کار، هنوز علت مرگ اعلام نشده است و حالا بازرس ویژه قتل در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد می گوید که علت مرگ این کارگران باید از سوی پزشکی قانونی و دایره حوادث اداره کار بررسی و اعلام شود. این مقامات و کارشناسان!

هستند که، خود بزرگترین کارفرما ست. سرمایه داری به همه عوامل تولید و از جمله به انسان ها (کارگران) به چشم کالا و ابزار نگاه می کند. آنقدر کارگر بیکار پشت در کارخانه ها و کارگاه ها صف کشیده اند که کارخانه دار و کارفرما به راحتی می تواند کارگران دیگری را جایگزین کارگرانی کند که به خاطر ناامنی محیط کار بقتل می رساند. جالب است که در اینگونه مواقع، علت را بی احتیاطی کارگران قلمداد می کنند.



www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.INTERNASIONAL.COM

نشریه انترناسیونال:

قرار در مورد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

دستگیری قرار میدهد و مبارزه علیه این پرونده سازهای يك جزء مهم مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است.

نزدیک به چهار دهه سرکوب و شکنجه و زندان، نتوانسته است صدای آزادیخواهی و تلاش و مبارزه برای يك دنیای بهتر را خاموش کند و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به بخش مهمی از جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ادامه حمایت فعال از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان بر اهمیت مبارزه متشکل برای آزادی زندانیان سیاسی تاکید میکند و تمام تلاش خود را جهت تقویت و پیشبرد هر چه بیشتر این مبارزه و ایجاد کانالهای همبستگی جهانی در حمایت از آزادی زندانیان سیاسی به کار میگیرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ ژوئن ۲۰۱۷، ۲۹ خرداد ۱۳۹۶

توضیح: اصل این قرار به کنگره دهم حزب ارائه شده بود که به دلیل ضیق وقت مورد بررسی قرار نگرفت و به کمیته مرکزی و نهایتاً به دفتر سیاسی سپرده شد.

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی رسماً آزادی عقیده و بیان و حق تشکل و تحزب وجود ندارد. از ابتدای حاکمیت رژیم اسلامی در ایران دستگیری و شکنجه و اعدام مردم و فعالین معترض و مخالف حکومت بخش جدایی ناپذیر دستگاه حاکم بوده است. ما هر روزه شاهد تهدید و اذیت و آزار، زندان و شکنجه و صدور حبسهای طویل المدت برای فعالین کارگری، فعالین مدافع حقوق کودک، حقوق زن و سایر فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم. خانواده های این زندانیان مداوماً از سوی رژیم مورد تهدید و اهانت و بعضاً دستگیری قرار میگیرند.

علیرغم فشارهای رژیم، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان جسورانه و با عزمی راسخ در اشکال مختلف در مقابل سیاست های سرکوبگرانه مبارزه کرده اند. شعار آزادی زندانیان سیاسی به یکی از شعارهای اصلی اعتراضات و تجمعات در ایران تبدیل شده است و مردم در ابعاد وسیعتری هر روزه از زندانیان سیاسی و خواسته هایشان حمایت میکنند. بویژه مقابله با پرونده سازیهای امنیتی عرصه و جبهه تازه ای را در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی گشوده است. رژیم فعالین و زندانیان سیاسی را عمدتاً با اتهام اقدام علیه امنیت کشور مورد پیگیری و

بنیاد منصور حکمت بر گزار میکند:

کنگره سوم منصور حکمت



فاتح بهرامی؛ علی جوادی؛ رحمان حسین زاده؛ مجید حسینی؛ سیاوش دانشور؛ فاتح شیخ؛ اصغر کرمی؛ محمود قزوینی؛ آذر ماجدی؛ حسین مراد بیگی

سخنرانان:

روز شنبه اول ژوئیه ۲۰۱۷ در استکهلم سوئد
ساعت ۱۰ صبح تا ۶ عصر
ورود برای عموم آزاد است

تاریخ:

T-Skanstull
Pumpan
Färggårdstorget 1
Stockholm, Sweden

محل:

Telephone: 0046(0)707722910

www.m-hekmat.com

Mansoor Hekmat Foundation



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: بهروز مهربادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



به نظر من، امروز جنبش ما (کمونیسم کارگری) است و نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بویژه زنان و جوانان در ایران از اسلام، که ماتریال یک تحول جدی ضد مذهبی و اسلام زدایانه را در ایران میسازد. اگر مردم ایران بناست چیزی از جنس سعادت را تجربه کنند، این جنبش باید پیروز شود. مطمئنم که در این مسیر، و با تکان خوردن مردم، یک قشر از روشنفکران آزاداندیش، روشن و روشنگر، به این جبهه خواهند پیوست منصور حکمت

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید